

فصل بیستم

مقایسه اقتصاد ایران با کشورهای منطقه

یکی از اهداف عمده مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فنی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تاکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل است. نیل به این هدف استراتژیک مستلزم تبیین و تشریح مفاهیم اولیه موضوع، تعیین راهکارها، انتخاب الگوی مناسب و مشخص ساختن خطوط راهنمای برنامه‌های توسعه‌ای در طول دوره بیست‌ساله سند مذکور می‌باشد. در این میان تعیین شاخص‌ها و الزامات برای کنترل و ارزیابی اقدامات و فعالیت‌های انجام شده در مسیر رسیدن به جایگاه نخست در منطقه از اولویتهای مهم به شمار می‌آید.

ارزیابی جایگاه اقتصادی ایران در منطقه در چارچوب سند چشم‌انداز و در طول برنامه‌های توسعه‌ای با تکیه بر شاخص‌های کمی کلان از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ‌های اشتغال و تورم و کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه می‌تواند زمینه مناسبی را برای تبیین و سنجش موقعیت اقتصاد کشور در ابتدا و انتهای هر دوره برنامه پنج‌ساله توسعه با اهداف مندرج در سند چشم‌انداز در اختیار نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط قرار دهد، به طوری که با اتخاذ اقدامات سیاستی مناسب و تمهیدات مقتضی شکاف بین عملکرد و اهداف مورد نظر را ضمن اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مرتفع سازد.

۲۰-۱- مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران با کشورهای منطقه

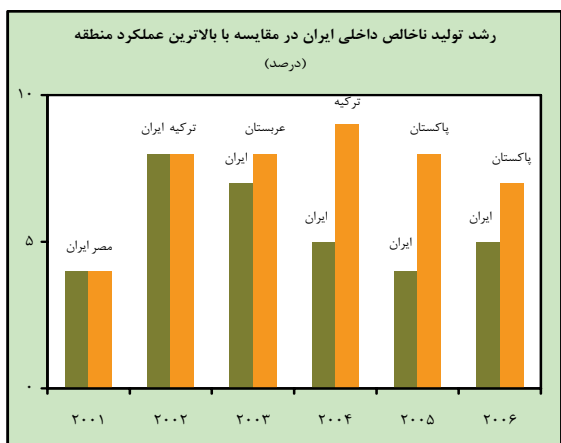
در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، حوزه‌های جغرافیایی مهم و وسیعی مد نظر قرار گرفته است. با توجه به مختصات جغرافیایی تعیین شده در این سند، کشورهای مشمول آن علاوه بر ایران شامل ۲۵ کشور عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر، رژیم اشغالگر قدس، امارات متحده عربی، کویت، عراق، قطر، اردن، بحرین، سوریه، فلسطین، لبنان، یمن، عمان، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان و افغانستان می‌باشد. تعیین کشورهای مشمول منطقه مورد نظر، امکان مقایسه وضعیت اقتصادی کشور با کشورهای هدف را به طور مشخص فراهم کرده و از پراکندگی مطالعات در این زمینه ممانعت به عمل می‌آورد. علاوه بر آن لازم است با توجه به شاخص‌های منتخب در سند چشم‌انداز، روند رشد و پیشرفت تعداد محدودی از کشورهای منطقه که در برخی از شاخص‌های عمده و اساسی دارای برتری‌های نسبی بوده و از ظرفیت و توانایی‌های اقتصادی بالایی

برخوردار هستند، مورد بررسی دائمی و ویژه قرار گیرند. در خصوص تعیین شاخص‌های مقایسه‌ای مطلوب نیز ضروری است اولاً شاخص‌های منتخب، مرتبط و هم‌سو با تاکیدات سند چشم‌انداز در زمینه رشد اقتصادی، سطح درآمد سرانه و اشتغال و نظایر آن باشند؛ ثانیاً از لحاظ کیفی دارای قابلیت مقایسه‌ای بین‌المللی بوده و از استاندارد لازم برخوردار باشند، به طوری که امکان مقایسه و سنجش را به طور منظم و مستمر و در طول دوره بیست‌ساله در دسترس قرار دهند و ثالثاً به اندازه کافی فراگیر، جامع و سازگار باشند تا بتوان براساس آنها جایگاه واقعی کشور را در منطقه ارزیابی نمود.

در فصل حاضر با استفاده از تعداد معدودی شاخص‌های اقتصادی از منابع معتبر بین‌المللی و در قالب جداول و نمودارهای مربوط، به اختصار جایگاه اقتصاد کشور در میان پنج رقیب عمده و بالقوه منطقه شامل عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر و رژیم اشغالگر قدس طی دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوره زمانی مذکور شامل اولین سال دوره بیست‌ساله سند چشم‌انداز (سال ۱۳۸۴) و چهار سال منتهی به آن می‌شود. در جداول این فصل، آمار در دسترس تمامی پنج کشور مورد ارائه شده است. لیکن در نمودارها، وضعیت ایران با برترین کشور رقیب به تفکیک هر شاخص مورد مقایسه قرار گرفته است. در مجموع ۱۲ شاخص منتخب در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است.

۲-۲۰- رشد اقتصادی

رشد تولید ناخالص داخلی بیانگر روند تولید اقتصاد و استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت‌های اقتصادی کشورها است. رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ همواره مثبت بوده لیکن سیر صعودی آن از سال ۲۰۰۳ با کاهش روبرو شده و سپس در سال ۲۰۰۶ مجدداً افزایش یافته است؛ به طوری که رتبه کشور از این لحاظ متناسباً بین رقبای منطقه‌ای در نوسان بوده است. با کاهش روند نرخ رشد اقتصادی کشور، فاصله این نرخ رشد با بالاترین نرخ رشد در کشور پاکستان در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ قابل ملاحظه شده است. رتبه کشور از این نظر در بین کشورهای رقیب منطقه‌ای در سال ۲۰۰۵ (اولین سال دوره زمانی مورد نظر چشم‌انداز) در رده آخر و در سال ۲۰۰۶ یک رده به آخر جدول مقایسه‌ای قرار داشته که این جایگاه قابل تامل است.

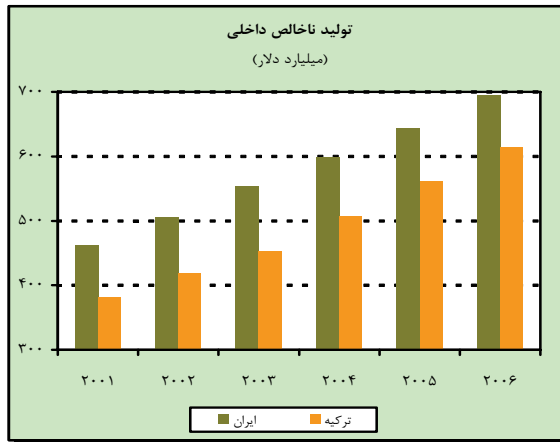


کشور	رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)					
	سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
ایران (۱)	۴	۸	۷	۵	۴	۵
عربستان سعودی	۱	۰	۸	۵	۶	۴
ترکیه	-۷	۸	۶	۹	۷	۶
پاکستان	۲	۳	۵	۷	۸	۷
مصر	۴	۳	۳	۴	۴	۷
رژیم اشغالگر قدس	-۱	-۱	۲	۵	۵	۵

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۷.
 ۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ رشد اقتصادی برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به ترتیب معادل ۳٫۳، ۷٫۶، ۶٫۸، ۴٫۸، ۵٫۷ و ۶٫۲ درصد بوده است.

۲۰-۳- تولید ناخالص داخلی

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان از آن به عنوان معیاری برای قدرت اقتصادی کشورها استفاده کرد، اندازه تولید ناخالص داخلی کشورها است. براساس آمار بین‌المللی موجود، میزان تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید ایران طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۶ همواره در حال افزایش بوده، به طوری که در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به ترتیب به ۶۴۴ و ۶۹۴ میلیارد دلار رسیده و از این نظر در بین کشورهای عمده منطقه، همواره رتبه اول را با برتری کامل احراز کرده است. کشور ترکیه طی دوره پنج‌ساله مورد نظر همواره از این حیث حائز رتبه دوم بوده است.

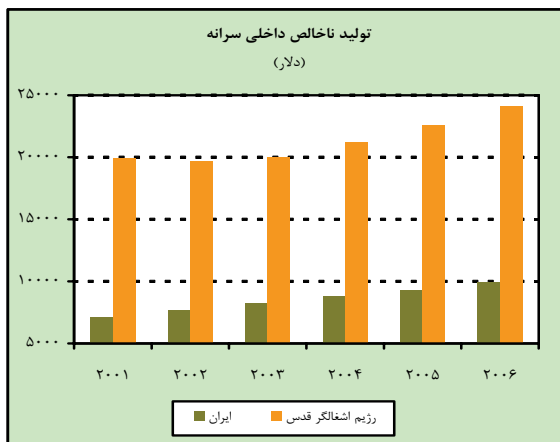


تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)		سال					
		۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
ایران	۴۶۳	۵۰۶	۵۵۴	۵۹۹	۶۴۴	۶۹۴	
عربستان سعودی	۳۷۰	۳۷۷	۴۱۵	۴۴۹	۴۹۱	۵۲۸	
ترکیه	۳۸۲	۴۱۹	۴۵۳	۵۰۷	۵۶۱	۶۱۴	
پاکستان	۲۴۷	۲۵۹	۲۷۸	۳۰۷	۳۴۰	۳۷۵	
مصر	۲۶۱	۲۷۴	۲۸۹	۳۱۰	۳۳۳	۳۶۷	
رژیم اشغالگر قدس	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۴	۱۴۴	۱۵۷	۱۷۰	

ماخذ: ۲۰۰۷، WDI online, the World Bank Group.

۲۰-۴- تولید ناخالص داخلی سرانه

تولید ناخالص داخلی سرانه، معیار توسعه اقتصادی و ضابطه مناسبی برای تعیین وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم به حساب می‌آید. تولید ناخالص داخلی سرانه کشور طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ همواره در حال افزایش بوده است و براساس برابری قدرت خرید از ۷۱۲۵ دلار در سال ۲۰۰۱ به ۹۹۰۶ دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. با این حال، رتبه کشور از این حیث در بین کشورهای مورد نظر در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در سطح سوم قرار داشته است. رژیم اشغالگر قدس و عربستان سعودی در سال ۲۰۰۶ به ترتیب با ۲۴۰۹۷ و ۲۲۲۹۶ دلار با فاصله بسیار زیاد از سایر کشورها در رتبه‌های اول و دوم قرار داشتند. بخشی از این برتری نسبی کشورهای یاد شده ناشی از جمعیت به مراتب کمتر آنها در مقایسه با کشورهای دیگر است.

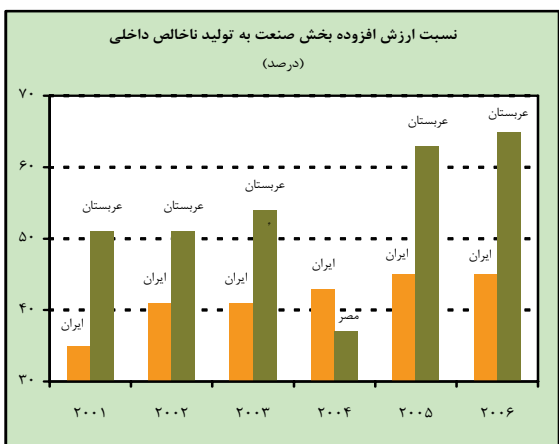


تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)		سال					
		۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
ایران	۷۱۲۵	۷۶۷۲	۸۲۶۴	۸۷۹۶	۹۳۱۴	۹۹۰۶	
عربستان سعودی	۱۷۵۲۷	۱۷۴۷۱	۱۸۸۰۵	۱۹۹۲۸	۲۱۲۲۰	۲۲۲۹۶	
ترکیه	۵۵۶۷	۶۰۱۸	۶۴۰۳	۷۱۲۸	۷۷۸۶	۸۴۱۷	
پاکستان	۱۷۴۶	۱۷۹۱	۱۸۷۲	۲۰۱۷	۲۱۸۴	۲۳۶۱	
مصر	۳۸۵۷	۳۹۷۷	۴۱۱۶	۴۳۲۹	۴۵۷۴	۴۹۵۳	
رژیم اشغالگر قدس	۱۹۹۲۷	۱۹۶۸۳	۲۰۰۴۰	۲۱۲۳۶	۲۲۶۲۷	۲۴۰۹۷	

ماخذ: ۲۰۰۷، WDI online, the World Bank Group.

۲۰-۵- سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی

سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی بیانگر قابلیت‌ها و امکانات صنعتی اقتصاد بوده و از این رو شاخص توسعه صنعتی ارزیابی می‌شود. براساس آمار موجود، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی کشور طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ همواره صعودی بوده و از ۳۵ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. از این لحاظ ایران همواره در بین کشورهای رقیب (به غیر از رژیم اشغالگر قدس) رتبه دوم را کسب کرده است. براساس آمار موجود، عربستان سعودی عموماً بالاترین نسبت مذکور را به خود اختصاص داده است.



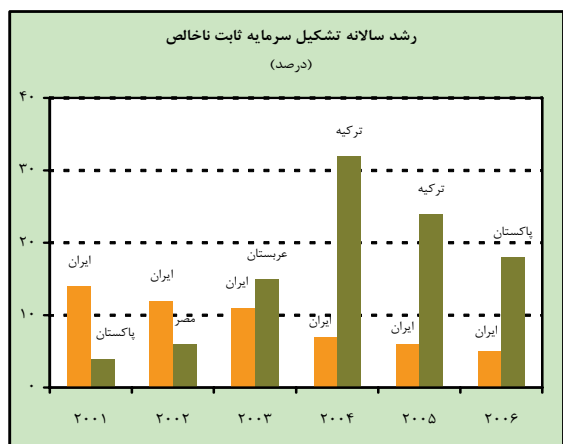
نسبت ارزش افزوده بخش صنعت به تولید ناخالص داخلی (درصد)

	سال					
	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱
ایران	۴۵	۴۵	۴۳	۴۱	۴۱	۳۵
عربستان سعودی	۶۵	۶۳	۲۰	۵۴	۵۱	۵۱
ترکیه	۲۷	۲۷	۲۶	۲۶	۲۶	۲۷
پاکستان	۲۷	۲۷	۲۶	۲۴	۲۴	۲۴
مصر	۳۸	۳۶	۳۷	۳۶	۳۵	۳۳
رژیم اشغالگر قدس	∞	∞	∞	∞	∞	∞

ماخذ: ۲۰۰۷، WDI online, the World Bank Group.

۲۰-۶- رشد سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری پشتوانه تولید در آینده است و موجب افزایش ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد در سال‌های آتی می‌شود. به عبارت دیگر، تغییرات روند سرمایه‌گذاری می‌تواند مبنایی برای پیش‌بینی تغییرات تولید ناخالص داخلی در سال‌های آینده تلقی شود. براساس آمار موجود، نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ایران از سال ۲۰۰۲ با روند نزولی از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۵ درصد در سال ۲۰۰۶ تنزل یافته است. در نتیجه رتبه کشور از این لحاظ در سال ۲۰۰۶ در بین کشورهای مورد نظر در رده آخر قرار گرفت. بالاترین نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت طی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به کشورهای ترکیه با ۲۴ و پاکستان با ۱۸ درصد تعلق داشت که اختلاف بسیار فاحشی با میزان نرخ رشد سرمایه در ایران دارد.



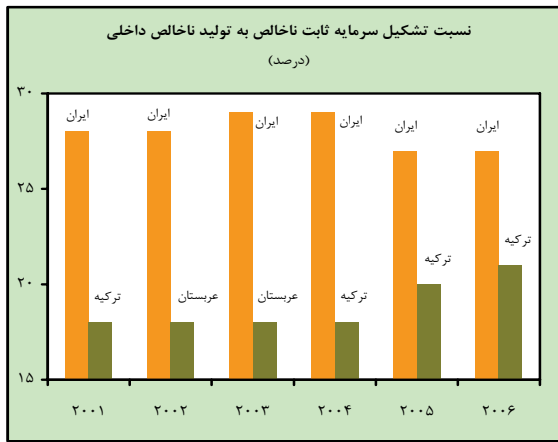
رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (درصد)

	سال					
	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱
ایران	۵	۶	۷	۱۱	۱۲	۱۴
عربستان سعودی	∞	∞	∞	۱۵	۱	۲
ترکیه	۱۴	۲۴	۳۲	۱۰	-۱	-۳۲
پاکستان	۱۸	۱۴	-۶	۴	۰	۴
مصر	۱۴	۱۱	۹	-۹	۶	-۲
رژیم اشغالگر قدس	∞	∞	∞	∞	∞	∞

ماخذ: ۲۰۰۷، WDI online, the World Bank Group.

۲۰-۷- نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی

از متغیرهای مهم اقتصاد کلان، سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از تولید ناخالص داخلی است که بیانگر توان بالقوه اقتصاد در جهت رشد و توسعه در آینده محسوب می‌شود. علی‌رغم کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری کشور طی دوره مورد بررسی، نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی کشور طی سال‌های مورد نظر بین ۲۷ تا ۲۹ درصد در نوسان بوده و همواره رتبه نخست را با اختلاف قابل ملاحظه با رقبای در بین کشورهای عمده منطقه دارا بوده است. عدم تناسب موجود بین رشد اقتصادی و میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام یافته را می‌توان عمدتاً ناشی از پایین بودن سطح بهره‌وری و کارایی سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصادهای متکی به بخش دولتی تلقی کرد.



نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی

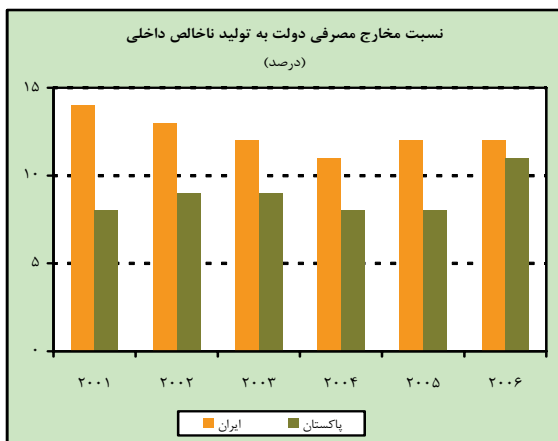
(درصد)

کشور	سال					
	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
ایران	۲۸	۲۸	۲۹	۲۹	۲۷	۲۷
عربستان سعودی	۱۸	۱۸	۱۸	۱۷	۱۷	۱۷
ترکیه	۱۸	۱۷	۱۵	۱۵	۲۰	۲۱
پاکستان	۱۶	۱۵	۱۵	۱۵	۱۷	۲۰
مصر	۱۸	۱۸	۱۶	۱۶	۱۸	۱۹
رژیم اشغالگر قدس	۱۸	۱۸	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۷.

۲۰-۸- نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی

مخارج مصرفی دولت شامل پرداخت حقوق و دستمزد به کارکنان و هزینه‌های مصرفی دولت بابت خرید کالاها و خدمات متناسب با اندازه و دخالت دولت در بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی قابل تغییر است. نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی در ایران از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۴ تنزل یافت، لیکن در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، این نسبت به ۱۲ درصد افزایش یافت. با این حال طی دوره مورد بررسی، بالاترین نسبت مذکور همواره به رژیم اشغالگر قدس و سپس به عربستان سعودی تعلق داشته است.



نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی

(درصد)

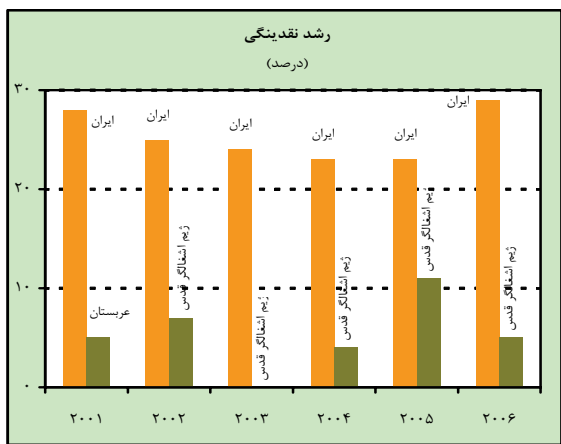
کشور	سال					
	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
ایران	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲
عربستان سعودی	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۲	۲۵
ترکیه	۱۴	۱۴	۱۴	۱۳	۱۳	۱۳
پاکستان	۸	۹	۹	۸	۸	۱۱
مصر	۱۱	۱۲	۱۳	۱۳	۱۳	۱۲
رژیم اشغالگر قدس	۲۸	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۷

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۷.

۲۰-۹- رشد نقدینگی

رشد نقدینگی نامتناسب با نیازهای اقتصاد به عنوان مهم‌ترین عامل تهدیدکننده ثبات قیمت‌ها به حساب می‌آید. به همین دلیل مقامات پولی کشورها همواره در صددند مدیریت و کنترل نقدینگی را در سیاست‌گذاری‌های پولی مد نظر قرار دهند تا بدین ترتیب از تبعات تورمی رشد آن جلوگیری نمایند. براساس آمار منبع بین‌المللی، رشد نقدینگی در کشور طی سال‌های مورد بررسی حداقل ۲۳

درصد در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و حداکثر ۲۹ درصد در سال ۲۰۰۶ بوده است. اگرچه رشد نقدینگی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ سیر نزولی طی کرده است، اما جزء بالاترین نرخ‌های رشد در بین کشورهای مورد مطالعه برای سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ بوده است. کمترین نرخ رشد نقدینگی طی این دوره پنج‌ساله همواره به رژیم اشغالگر قدس تعلق داشته است.



کشور	رشد نقدینگی (درصد)					
	سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
ایران (۱)	۲۸	۲۵	۲۴	۲۳	۲۳	۲۹
عربستان سعودی	۵	۱۵	۸	۱۷	۱۳	۲۰
ترکیه	۸۷	۳۰	۱۴	۲۱	۲۵	۳۳
پاکستان	۱۲	۱۷	۱۸	۲۱	۱۷	۱۵
مصر	۱۳	۱۳	۲۲	۱۵	۱۱	۱۵
رژیم اشغالگر قدس	۹	۷	۰	۴	۱۱	۵

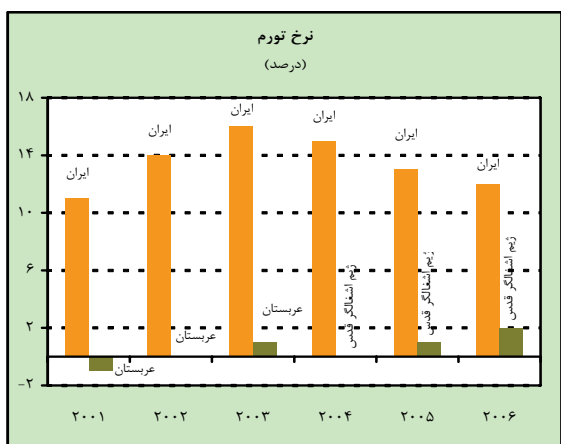
ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۷.

۱- براساس آمار بانک مرکزی، رشد نقدینگی برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۲۸/۸، ۳۰/۱، ۲۶/۱، ۳۰/۲، ۳۴/۳ و ۳۹/۴ درصد بوده است.

۲۰-۱- نرخ تورم

اثرات مخرب تورم بر روی قیمت‌های نسبی و کارایی اقتصادی شامل ایجاد عدم اطمینان در بازار، تضعیف سرمایه‌گذاری، اختلال در برنامه‌ریزی بنگاه‌های اقتصادی و مانعی برای توسعه اقتصادی می‌باشد و سیاست‌گذاران همواره در صدد کنترل آن برآمده‌اند. ایران همواره یکی از بالاترین نرخ‌های تورم را در منطقه داشته است.

نرخ تورم کشور طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، لیکن اوج نرخ مذکور در سال ۲۰۰۳ به میزان ۱۶ درصد بود. در سال ۲۰۰۶، این نرخ به حدود ۱۲ درصد تنزل یافت. بیشترین کاهش نرخ تورم طی دوره مورد بررسی به ترکیه تعلق داشت که با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب از ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۶ تنزل پیدا کرد. طی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، بیشترین نرخ تورم به ایران و کمترین نرخ به عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس تعلق داشت.



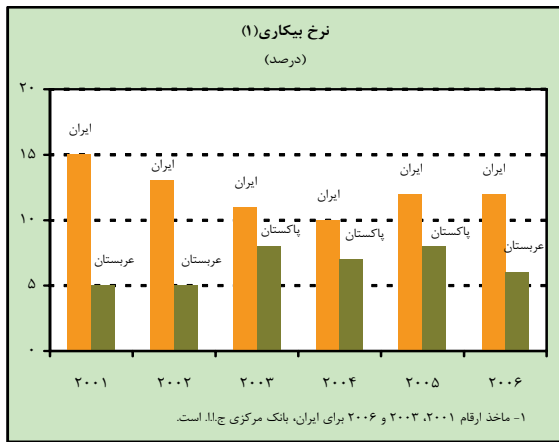
کشور	نرخ تورم (درصد)					
	سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
ایران (۱)	۱۱	۱۴	۱۶	۱۵	۱۳	۱۲
عربستان سعودی	-۱	۰	۱	۰	۱	۲
ترکیه	۵۴	۴۵	۲۵	۱۱	۱۰	۱۱
پاکستان	۳	۳	۳	۷	۹	۸
مصر	۲	۳	۵	۱۱	۵	۸
رژیم اشغالگر قدس	۱	۶	۱	۰	۱	۲

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۷.

۱- نرخ‌های گزارش شده توسط نشریه فوق‌اندکی متفاوت با ارقام بانک مرکزی می‌باشد. به طوری که براساس آمار بانک مرکزی، نرخ تورم بر پایه سال ۱۳۸۳ برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به ترتیب ۱۱/۴، ۱۵/۸، ۱۵/۶، ۱۵/۲، ۱۰/۴ و ۱۱/۹ درصد بوده است.

۲۰-۱۱- نرخ بیکاری

براساس آمار موجود، نرخ بیکاری کشور طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ همواره بالاترین سطح را در بین کشورهای عمده منطقه داشته است. کمترین نرخ بیکاری طی سال‌های دوره مورد نظر عمدتاً به کشورهای عربستان سعودی و پاکستان اختصاص داشته است.



نرخ بیکاری (درصد)						
سال						
۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	
۰۰	۱۲	۱۰	۰۰	۱۳	۰۰	ایران (۱)
۶	۰۰	۰۰	۰۰	۵	۵	عربستان سعودی
۰۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۸	ترکیه
۰۰	۸	۷	۸	۸	۸	پاکستان
۰۰	۰۰	۱۱	۱۰	۱۰	۹	مصر
۰۰	۹	۱۰	۱۱	۱۰	۹	رژیم اشغالگر قدس

مآخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۰۷.

۱- براساس ارقام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در ایران برای سه ماهه چهارم سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۱۴/۷، ۱۲/۲، ۱۱/۳، ۱۰/۳، ۱۲/۱ و ۱۲/۱ درصد بوده است.